



یک عضو هیئت‌رئیس‌ه اتاق بازرگانی تهران معتقد است که شاخص‌ها و پارامترهای مختلفی روی محیط و فضای کسب‌و کار در ایران اثرگذار است. در این زمینه باید به شاخص‌های متعددی مانند غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار در کنار قیمت‌گذاری دستوری، تحریم‌ها، تورم و غیره اشاره کرد. او می‌گوید: «دولت چهاردهم باید روی بهبود این شاخص‌ها تمرکز کرده و اگر می‌خواهد این مشکلات در کشور حل شود از تولیدکنندگان واقعی حمایت کند و از قیمت‌گذاری دستوری پرهیز کند.» عباس آرگون، خزانه‌دار و عضو هیئت‌رئیس‌ه اتاق بازرگانی تهران درباره وضعیت محیط کسب‌و کار در ایران با آتیه‌نو به گفت‌وگو نشست که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

● **به نظر شما چرا شاخص‌های مرتبط با محیط کسب‌وکار در ایران طی فصل‌ها و سال‌های گذشته روند نزولی داشته و از این نظر کشورمان شرایط خوبی را تجربه نمی‌کند؟**

شاخص‌های مختلف و متعددی برای بررسی و ارزیابی محیط کسب‌وکار در ایران و کشورهای مختلف وجود دارد که بر اساس استانداردهای بین‌المللی تعریف شده‌اند. همچنین مراکز مختلفی در جهان، وضعیت و محیط کسب‌وکار در کشورهای دنیا را ارزیابی می‌کنند. در این میان، مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران نیز یکی از این مراکز است که به‌صورت مستمر فصلی و سالانه شاخص‌های مرتبط با محیط کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی را بررسی می‌کند.

بر اساس آخرین گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران، نمره شاخص محیط کسب‌وکار کشور که در زمستان سال گذشته نامساعدتر شده و به ۶۰۴ رسیده بود، در فصل بهار نیز بدون تغییر روی همین عدد باقی ماند. این مسئله نشان می‌دهد که ایران در وضعیت و جایگاه مناسبی از این حیث قرار ندارد؛ چراکه بدترین نمره و ارزیابی ۱۰ است.

نگاهی به روند شاخص کل محیط کسب‌وکار در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که با وجود بهبود این وضعیت در پایان سال ۱۳۹۹ و رسیدن این شاخص به ۵۰۸، در زمستان سال ۱۳۹۹ اما این وضعیت و شرایط در طول سه سال گذشته روند نزولی داشته و این شاخص در بهار امسال به ۶۰۴ درصد رسیده است.

یکی از دلایل بدترشدن وضعیت و شاخص‌های مرتبط با

**گزارش**  
در شرایطی که مردم در بسیاری از کشورهای جهان، به‌راحتی و با شرایط و تسهیلات مختلف می‌توانند خودروی مورد علاقه‌شان را خریداری کنند، همچنان در ایران صف‌های میلیونی با شرایط سخت برای خرید خودرو تشکیل می‌شود؛ چراکه خرید خودرو از خودروساز نوعی برد محسوب می‌شود که دلالتان را به این بازار کشانده و اوضاع را به نوعی لاتاری شبیه می‌کند.

خودرو یکی از نیازمندی‌های مردم است و در دنیا به دلیل عرضه متنوع و بالاتر از تقاضا، برندهای مختلف با شرایط و تسهیلات بسیاری سعی در جلب نظر مردم دارند تا بتوانند خریدار دیگری را به جمع مشتریان خود در این بازار رقابتی اضافه کنند. این فرآیند در ایران کاملاً برعکس است و تعدادی خودروساز و مونتاژکار در حال فعالیت هستند و مردم برای خرید یک خودرو، یا باید به بازار آزاد مراجعه کرده و با قیمت‌های بالایی خودروی مورد نیازشان را خریداری کنند یا آنکه برای خرید خودرو با قیمت کارخانه ماه‌ها و شاید سال‌ها در انتظار بنشینند تا در یکی از طرح‌های عرضه و فروش نامشان در میان اسامی برندگان دیده شود!

گویا قرار نیست وضعیت عرضه و فروش خودرو در کشور سامان پیدا کرده و مردم در شرایطی عادی بتوانند بدون حضور سوداگران و دلالان، خودرویی را که می‌خواهند با قیمت و شرایط مناسب خریداری کنند.

در آخرین طرح پیش‌فروش و فروش فوق‌العاده ایران خودرو که از ۲۱ مردادماه امسال اطلاعیه آن از سوی این خودروساز منتشر شد، در همچنان روی همان پاشنه می‌چرخد. یعنی مردم برای خرید از این خودروساز باید در سایت ایران خودرو ثبت‌نام کرده و با افتتاح حساب وکالتی به مبلغ ۲۳۰ میلیون تومان و مسدود کردن آن،

در گفت‌وگو با عضو هیئت‌رئیس‌ه اتاق تهران مطرح شد

## تغییرات در سیر شاخص‌های محیط کسب‌وکار



وقتی یک تولیدکننده یا صاحب صنعت نمی‌تواند نرخ ارز را پیش‌بینی کند و قیمت تمام‌شده تولید یک کالا که مرتبط با مواد اولیه و تجهیزات است، مستقیماً به نرخ ارز بستگی دارد و وارداتی است، مسلماً نمی‌تواند تغییرات قیمت مواد اولیه و محصول تولید شده خود را نیز از نظر بازار و بهای تمام‌شده پیش‌بینی و ارزیابی کند. تولیدکننده باید بتواند تحلیل کند که مواد اولیه مورد نیاز خود را با چه قیمتی و در واقع با ارز چند هزار تومانی می‌تواند در طول یک سال تأمین کند. مشکل تأمین مالی نیز یکی از مسائلی است که مستقیماً اثرگذار بوده و یکی از شاخص‌های مهم در بررسی و ارزیابی شاخص ملی محیط کسب‌وکار به شمار می‌رود. جریان مالی در هر بنگاهی مانند جریان خون در بدن انسان و شریان حیاتی است اما در این میان شاهدیم که نرخ تأمین مالی در کشور بسیار بالاست و حاشیه سود بنگاه‌های واقعی و مولد اقتصادی و تولیدی به نرخ تأمین مالی نمی‌رسد. به‌عنوان مثال، نرخ تأمین مالی در کشور ۴۰ درصد بوده و حاشیه سود بنگاه‌های واقعی و مولد در کشور ۲۰ درصد است. در واقع اگر صاحب یک کسب‌وکار و صنعت با این نرخ، تأمین مالی خود را انجام دهد در واقع ۲۰ درصد زیان کرده است.

● **در گزارش جدید مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از شاخص ملی محیط کسب‌وکار آمده است که دشواری تأمین مالی از بانک‌ها یکی از عوامل بدتر شدن این شاخص ملی است. آیا این دشواری و مشکل تنها به نرخ تأمین مالی برمی‌گردد یا مشکل در تأمین کنندگان مالی و مسائل دیگر نیز نهفته است؟**

البته تأمین مالی تنها از طریق بانک‌ها نیست و از بازار سرمایه نیز می‌توان این کار را انجام داد اما یکی از مهم‌ترین مشکلات در این حوزه، بالا بودن نرخ آن است که برای

## اقتصاد

صاحبان صنعت و تولیدکنندگان واقعی و مولد به هیچ‌وجه صرفه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر می‌توان گفت که در شرایط اقتصادی کنونی و با تورم ۴۰ درصدی هیچ کدام از بانک‌ها نمی‌توانند بنگاه‌ها و تولیدکنندگان واقعی را تأمین مالی کنند. اگر یک واحد تولیدی با ۱۰۰ واحد پول ۱۰۰ واحد کالا تولید می‌کند، در سال بعد حداقل به ۱۴۰ واحد پول نیاز دارد تا همین میزان تولید را بدون هیچ‌گونه پیشرفتی انجام دهد و در سال دوم و سوم به ترتیب به ۱۹۶ و ۲۷۴ واحد پول نیاز دارد که همان میزان تولید را در نظر گرفتن تورم ۴۰ درصدی انجام دهد.

به خاطر شرایط تحریمی نیز بنگاه‌های اقتصادی به تأمین مالی بیشتری نیاز دارند؛ چراکه در شرایط عادی و بدون تحریم بنگاه‌های اقتصادی و مولد می‌توانند از طریق نظام بانکی و بدون دردسر، نیازمندی‌های خارجی خود را به‌صورت LC خریداری کرده و پس از ورود کالا به کشور، هزینه‌آن را پرداخت کنند اما در شرایط تحریمی در ابتدا باید همه پول پرداخت شود و حتی آن را به‌صورت مازاد در اختیار بانک‌ها قرار دهیم تا مسئولان مطمئن باشند که کالای مورد نظر به کشور وارد می‌شود. همین مسئله عطش نقدینگی به نیاز مالی بنگاه‌های اقتصادی و مولد را بیشتر می‌کند و مشکل بانک‌ها، بازار سرمایه و دیگر نهادهای متولی تأمین مالی را تشدید می‌کند.

باید در این زمینه به این نکته اشاره کرد که بانک‌ها نیز برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و مولد باید منابعی در اختیار داشته باشند. این در حالی است که بخش عمده‌ای از منابعشان به تسهیلات تکلیفی، خرید اوراق، هزینه‌های بنگاه‌داری و غیره اختصاص پیدا می‌کند.

در این میان برخی تسهیلات بانکی، نه‌تنها پرداخت نمی‌شود بلکه دائماً تمدید شده و بازپرداخت نمی‌شود که بتواند چرخه تسهیلات‌دهی، نقدینگی و تأمین مالی را در بانک‌ها ایجاد کند. بنابراین می‌توان گفت که نرخ بانکی برای تأمین مالی نرخ پایین و تقاضا برای آن بسیار بالا بوده و منابع بانک نمی‌تواند این حجم از تقاضا برای تأمین مالی از سوی بنگاه‌های اقتصادی و مولد را پوشش دهد.

● **در این زمینه چه توصیه‌ای به دولت چهاردهم و کابینه اقتصادی این دولت برای بهبود محیط کسب‌وکار در ایران دارید؟**

یکی از مهم‌ترین مسائلی که دولت چهاردهم باید به آن توجه کند ثبات‌بخشی به سیاست‌ها، قوانین و مقررات، رویه‌های اجرایی و غیره است. دولت چهاردهم باید قوانین مزاحم را در این زمینه حذف کند و محدودیت‌های تحریمی که بسیار مهم است را مدنظر قرار داده و نهایت تلاش خود را در راستای رفع و حل‌وفصل آن به کار گیرد.

همچنین دولت چهاردهم باید از تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی و مولد حمایت واقعی کرده و دخالت در اقتصاد را به حداقل برساند و از قیمت‌گذاری دستوری پرهیز کند.



ati.no.ir

یادداشت



### مشکلی در تأمین لباس مدارس وجود ندارد



در حال حاضر با توجه به قرار گرفتن در آستانه سال تحصیلی، چند مسئله را باید درباره تولید و بازار پوشاک مورد توجه قرار داد؛ اول اینکه لباس‌های فرم یا همان لباس مدارس برای دخترها و پسرها که توسط تولیدکنندگان تولید می‌شود، در اختیار تولیدکنندگان و فروشندگان نیست. این لباس‌ها تحت نظارت سازمان دانش‌آموزی قیمت‌گذاری شده و مدارس موظف‌اند به همان قیمت، از تولیدکنندگان طرف قرارداد، البسه مورد نظر را تحویل بگیرند. به عبارت دیگر همه روپوش‌ها و البسه مختص مدارس دانش‌آموزان دختر و پسر با نرخ مصوب سازمان دانش‌آموزی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تهیه و عرضه می‌شود. البته در کنار مدارس باید این مسئله را نیز پذیرفت که دانش‌آموزان و حتی خانواده‌های آن‌ها نیز به لباس‌هایی غیر از لباس فرم مدارس نیاز دارند و قطعاً در این ایام، بازار پوشاک داغ‌تر می‌شود. تولید انواع پوشاک در کشور آن قدر بالاست که حتی می‌توانیم نیاز کشورهای خاورمیانه را هم بدون کمبود و افزایش قیمت تأمین کنیم. به اندازه‌ای لباس در تولیدی‌ها و فروشگاه‌ها انباشت شده که نسبت تقاضا در مقابل تولید و عرضه یک به پنج است. اگر در این ایام سری به بازار پوشاک بزنید، مشاهده می‌کنید که بسیاری از فروشندگان و فروشگاه‌ها انواع پوشاک را به‌صورت فروش فوق‌العاده و با تخفیف بالا به مردم عرضه می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند این پوشاک را با قیمت مناسبی در اختیار مشتریان قرار داده تا بهای تمام‌شده تولید پوشاک را به دست آورده و گردش کارشان ادامه پیدا کند و چرخه تولید و عرضه را ادامه دهند. البته در این زمان می‌توان گفت تولیدکنندگان بیشتر از فروشندگان در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند. در حال حاضر وضعیت بازار پوشاک به نفع مصرف‌کنندگان است. عمدتاً قیمت این کالاها پایین‌تر از نرخی است که تولیدکنندگان و فروشندگان بتوانند سود مناسبی از فروش آن به دست آورند اما مسلماً مثال نقض آن نیز وجود دارد و ممکن است عده‌ای در این بازار سوءاستفاده کرده و مرتکب تخلف شوند. مردم در صورت بروز چنین تخلفاتی می‌مشاهده گران‌فروشی، می‌توانند از طریق سایت اتحادیه پوشاک تهران اعتراض خود را اعلام کنند تا در اسرع‌وقت و کمترین زمان به آن رسیدگی کنیم. نکته دیگر اینکه در اتحادیه معمولاً چنین پرونده‌هایی را تا بیش از ۹۰ درصد به سود مصرف‌کنندگان بررسی می‌کنیم و اگر اثبات شود که فروشنده یا تولیدکننده‌ای مرتکب تخلف، تقلب یا گران‌فروشی شده، قطعاً با او برخورد کرده و رضایت مشتریان را جلب خواهیم کرد. از مردم هم می‌خواهیم تقاضای خود را به انواع پوشاک ایرانی و تولید داخل سوق داده و پوشاک ایرانی مطالبه کنند و فریب مارک و برند خارجی را نخورند. مسلماً کیفیت پوشاک ایرانی بسیار بالا و قابل رقابت با برندهای مطرح دنیااست اما آنچه تولیدکنندگان و فروشندگان می‌گویند این است که مردم حتی اگر یک پوشاک ایرانی با کیفیت بسیار بالا وجود داشته باشد چندان رغبتی برای خرید و تهیه آن نشان نمی‌دهند و برخی تولیدکنندگان مجبورند البسه خود را با مارک و برندهای خارجی در بازار عرضه کنند. بنابراین باید این فرهنگ در کشور نهادینه شود که خرید کالای ایرانی نه‌تنها حمایت از تولیدکنندگان داخلی است بلکه پوشاک ایرانی کیفیت تولید بسیار بالایی دارد. البته شاید برخی مردم این مسئله را مطرح کنند که پوشاک ایرانی با کیفیت بالا، گران است اما این گزاره درست نیست. برای تولید لباس و پوشاک در کشور آن هم با کیفیت بالا هزینه‌های گزافی از جمله هزینه‌های مرتبط با انرژی، مواد اولیه، کارگر و غیره از سوی تولیدکننده پرداخت می‌شود. بنابراین بالا بودن هزینه تولید به معنای گران بودن آن کالا یا گران‌فروشی نیست. از طرفی در شرایط کنونی نمی‌توان مشکلات اقتصادی در کشور و پایین بودن قدرت خرید مردم را نادیده گرفت.